

معرفی انواع قهرها با زکرمونه



کارتون محمدعلی رجبی

هفته گذشته وقتی مجری برنامه ورزشی با خداداد عزیزی شوخی کرد و گفت آقای عزیزی همستر بازی می کنه، به غزال تیزیای ایران برخورد و قهر کرد و تا آخر برنامه هم هرچی جواد آقای خیابانی منتش رو کشید، آشتی نکرد و گفت نومو خوام که نومو خوام. البته که مجری جوان توی برنامه بعدی از غزال، ببخشین خداداد عذرخواهی کرد و آقای تیزیایا، ببخشین عزیزی هم گفت من اصلا نمی دونستم همستر بازی و تا زامروز فهمیدم. ماهم به همین بهانه تصمیم گرفتیم انواع قهر رو بررسی کنیم.

قهر سیاسی: البته که توی این برهه حساس کنونی نباید خیلی به این جور مسائل حساس پرداخت. اصلا قهر خوب نیست و اتفاقا این روزا روزای آشتی کنونه. هرکسی با هرکسی و هر چیزی و هر صندوقی که قهر کرده، باید آشتی کنه و برن روی ماه هم رو ببوسن و یگن ما نوکر شما ییم و بیاین و از این حرفا.

قهر اقتصادی: این یکی رو تقریبا همه تجربه کردیم؛ به این صورت که مدت زیادیه به طلافروشی، فروشگاه لوازم خونگی، قصابی یا حتی سوپرمارکت سر نزدیم. این یعنی قهر. البته دلیل اصلی این قهرا هم نداشتن تفاهمه، وگرنه هم اونا و هم مای دونیم که مشکلی نداریم. فقط برای هم ساخته نشدیم و به درد هم نمی خوریم!

قهر فرهنگی: وقتی دیگه به سینما سر نمی زنیم، کتاب نمی خریم، کنسرت نمی ریم و حتی روزنامه و مجله هم نمی خونیم، یعنی با این فرهنگی جات قهریم. هرچند ممکنه یه بخشی ش به دلیل قهر اقتصادی و نداشتن تفاهم باشه، ولی یه مقداری ش هم به دلیل اینکه که ما بیشتر اونا رو دوست داریم و نه اونا کاری می کنن که ما به سمتشون بریم. یعنی نبود تفاهم نیست، کلا اختلال ژنتیکی داریم با هم!

قهر ورزشی: نمونه برای این که فت و فراوونه. از قهر یحیی گل محمدی، سرمربی قبلی پرسپولیس، گرفته تا قهر کشتی گیرا از حریف و داور و ترک کردن تشک کشتی. یه مدل قهر ورزشی دیگه هم داریم که وقتی یه نفر از ورزش قهر می کنه، دچار اضافه وزن و درد و مرضای دیگه می شه که خب مجبوره با دوا و دکتر آشتی کند و حتی باهاشون وصلت کنه!

قهر خانوادگی: و در آخر این قهر که بیشتر بین خواهرها و برادرارخ می ده و ممکنه به کشیدن مو، گازگرفتن و مشت زدن منجر بشه. همچنین قهر بین زن و شوهرها که البته اون رو فقط ابلهان باور کنند!

صفحه ۵
۲ تیر ۱۴۰۳
شماره ۱۰۹



بده و چند نفر رو دعوت کنه، رمزارز خودم رو بهش جایزه می دم که به زودی توی صرافیای بین المللی تعریف می شه. اون موقع می بینی که ملت مثل مور و ملخ می ریزن خودشون واست تبلیغات می کنن؛ اون قدر که خودت نمی فهمی چی شد، چی نشد. بعد از اینکه حسابی بارت رو بستی، می تونی به راحتی چمدونات روببندی وبری خارج کنارخونه بعضیا خونه بخری و شهروند اونجا بشی.

یا محترمه (بیشترشون محترم هستن) سیریش و چسبای ده قلوبرای این کارانیست. اگه می خوای آگهی ت خونده بشه و جملات گهربار از عالم و آدم دریافت نکنی، به فکر یه روش کم هزینه تر و پربازده تر باش. توی این دوره و زمونه، اینترنت و فضای مجازی پس برای چیه؟ الان بهترین و سریع ترین راه تبلیغات همین فضاهاست. کافیه یه بازی درست کنی، بذاری توی شبکه های اجتماعی و بگی هرکی این بازی رو انجام